



انقلاب اسلامی ایران را باید یکی از پرمناقشه‌ترین تحولات تاریخ بشریت دانست، به این معنا که آثار ناشی از آن چنان گسترده و وسعت جغرافیایی و زمانی دارد که در هر زمان با دامنه وسیعی توانسته تأثیر خود را بر جای بگذارد. در ابعاد داخلی ایران رویداد مهم به نوعی تمدن ایرانی را وارد مرحله‌ای تازه کرد و از برخی نظرها باید آن را زمینه‌ساز بسیاری از تحولات و تحولاتی که در این تمدن ایرانی دانسته به همین اعتبار می‌توان آن را برای آثار آن در تحول بزرگ هم دستاوردهای بزرگ و ستبرگی آن یاد و به رسمت در به برخی آسیب‌هایی اشاره کرد که تا زمان انقلاب برپا می‌رود و رجوع آنست. در حوزه مسائل ایران و دیگری مردم تمام مسائل قرار دارد. یکی استقلال ایران و دیگری آزادی و بعد از آن رویداد. شاید با کمترین درک بدین مدعی آمده و پیاپی سلسله‌های باستانی ایران، این خطه به گاه که در سلسله ایران ارتشده بود.

مشارکت و نظارت مردمی

اعتماد عمومی و داشتن تعلقات ملی یکی از شاخص‌ها و مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی در یک حکومت و حکمرانیی عادلانه و نشانی از رابطه صحیح، میان مردم و حکمرانان است، فلذا با برقراری این مؤلفه‌های مهم، نظام‌های سیاسی قادر می‌شوند «تعلق خاطر، همبستگی، انسجام اجتماعی و خوش‌بینی» را در میان مردم به وجود آورند.

مهمترین دستاورد انقلاب توجه و به رسمیت شناختن مردم و حقوق بحق آنان و مشارکت و نظارت مستقیم مردم بر جراحی امور و عملکرد دستگاه‌هاست و دیگر نقش و مشارکت مناسب بانوان در آداب جامعه و ساختن حفظ شئون آنان است

اما متأسفانه علی‌رغم همه موانع انقلاب و پیشرفت‌هایی که بازتاب دوست و دشمن گردیده اما متأسفانه در همین دو مورد دچار نواقص جدی گردیده‌ایم، در سپهر سیاسی اقتصادی بعضی از مسئولان، نقش مردم حذف شده و فقط به ماندگاری خود بر سر صندلی‌ها قدرت و ثروت می‌انداختند و برای حلیه‌ای است که مقام معظم رهبری روشنگری خود استعرازی و برنامۀ امری نظام را می‌برد به چهل سال دوم انقلاب اسلامی را با عنوان «گام دوم» جهت برنامه‌ریزی و اجرا ابلاغ کرده‌اند.

■ هر چند شاید از سؤال اصلی دور شویم، اما آیه‌ها نظر بر شما این جواب می‌دهد؟ یعنی دو جریانی که می‌گویند باید این توضیحات قانع می‌شوند؟

ببینید برای یک نیروی سیاسی خواهان ترقی‌ای که نظر بر ایند که باید مهم باشد، بدون جواب در نظر بگیرد که هر زمانی این گفت‌وگوها می‌دهد یا نه. در کنارش هم شاید صد تا کار دیگر بکنند اما بنیاید گفت‌وگو را هر کار مسائلی باشد در چارچوب‌های گفت‌وگوها محدود شود یعنی در چارچوب‌های گفت‌وگوها محدود شود. ضمن اینکه ما داریم می‌گوییم گفت‌وگو، یعنی اینکه طرف مقابل هم بگوید. یعنی اینکه ما هم شنونده باشیم. هر وقت یکی از طرفین فقط را می‌زند شما حرف بزنید مطمئن باشید ناخودآگاه برای اینکه به هر حال نه صد درصد، اما تا حدی قابل ملاحظه‌ای دیاالوگ شکل بگیرد و منطق در فضای مرادود حکم شود به جوش می‌آید. اما اینکه می‌گویند آنجا این روش شوالی هست، من معتقدم در این موضوع ما با دو سطح مواجه هستیم. یکی سطح هسته‌ای است که وزیر اقتصاد منسجم و سازمانی جریان‌هایی که این گفت‌وگوها می‌بازانند تبلیغ می‌کنند. سطح دوم آن

پیشگیری نباشد؟ اینها کارهای سخت و فرسایشی است و به همین دلیل هم کمتر نیروی پیدایمی شود که آن را به شکل مستمر انجام دهد. رویهایی که وارد این عرصه می شوند به تجربه یا بعد از چندی خسته شده اند یا بخشی از آنها را هم داشتیم و داریم که خودشان مغلوب و جذب گرفتارهای رقیب شده اند و بعد از چندی حرف تازه دارند.

دلیش به نظر شما چیست که جذب شده اند؟

حماسی و پر شور باشید. خب برای خلیا، بخش‌های جامعه در شرایطی که فشارهای زیادی را هم تحمل می‌کنند، چنین چیزی خجالت‌انگیز ندارد و هم همین دلیل است که‌ها که از این راه رفته‌اند بعد از جذب مسیرهای دیگر شده‌اند. اما این را اگر در آن استعمار و صداقت باشد، در طولانی مدت خراب‌تر خواهد بود چون در دنیای واقعی همه آن بهرمان خیالی، خیلی هم زود را هم می‌باشد. باید یک اصلاح‌طلب واقعی اینقدر استعمار و صبر داشته باشد که در آن لحظه بتواند اینانی نقش کند، نه اینکه صحنه را خالی نگذارد تا یک کپی‌های صنعتی دیگر آن را پر کنند. البته خیلی و صداقت هم در این لحظه خیلی مؤثر است. شما هر چقدر هم به لحاظ منطقی قوی باشید اما جامعه شما را پاک و صادق ندانند، نمی‌توانید در آن موقعیت ایستادگی کنید. مؤثر، داشته باشید.

شرق داریم یک مسأله است، اینکه استقلال سیاسی داریم یک بحث دیگر. ما در زمان رژیم گذشته وضعیتی داشتیم که قدرت‌های غربی و خصوصاً آمریکا مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های داخلی ما

باشیم. استقلال سیاسی این است که اگر با جایی قطع رابطه می‌کنیم و با جای دیگری یک رابطه را به اوج می‌رسانیم، صفر و صد این تصمیم‌گیری در اختیار خودمان است. یعنی کسی برای تصمیم‌گیری‌های داخلی ما به عنوان یک قدرت خارجی، اعمال نفوذ نمی‌کند.

به هر روی، ما در مسائل داخلی خودمان برکنار و منفصل از مسائل خارجی و روبرودهای صحنه بین‌المللی نیستیم. نه فقط ما، بلکه تمام دنیا همینطور است. مگر آمریکا به عنوان قدرت اول اقتصادی و نظامی دنیا تحت تأثیر تحولات مثلا اروپا یا رژیم صهیونیستی نیست؟ مگر، در همان امکات‌حلولی که این رخ‌دهنده روی تصمیماتشان اثر نمی‌گذارد؟

این طبیعی است چون بخش زیادی از مسائل ما و هر کشور دیگری تحت تأثیر اتفاقات خارجی و بین‌المللی است. مسأله این است که ما در وضعیت‌هایی باشیم که در قبال این، ریدادهای خودمان تصمیم بگیریم که چگونه واکنش نشان

تاریخی ما به کرات از این موارد نشود. جایی از این مسائل ضعف مرکزی بود که نمی‌توانست مانع از اینجای خنثیات آنها، شما مثلا نگاه‌های مستشاران نظامی آمریکا به ما در مقابل ژنرال‌های آن روز کشور بود؛ و ما از سفارتخانه‌های آمریکا و اسناد زیادی داریم که حکومت‌روها مستقیما از رهبران آن روز ایران تاهی داشتند یا اینکه دست‌درست‌ها بابت برخی چیزها امروز ما با روسیه نزدیک شده‌ایم اما آیا آنها داخلی ما دخالت می‌کنند و دست‌ور

امروز وقتی رئیس جمهوری ایران می‌آید شما می‌بینید چه‌طور به برخورد می‌کند. شما در آن دیدار نگاه بالا به پایین نمی‌بینید بلکه یک وضع آمیز توسط پوتین به حضرت‌ها خاندانی کاملاً مشهود است. همینطور، ما بر اساس منافع، و هم‌زمان با دیدگاهی‌هایی با کشورهای ما این را خودمان تصمیم گرفته‌ایم.

در حقیقت اگر کشورهایی هم بخوانند، به صورت غیر مستقیم بر تصمیمات داخلی ما تأثیر می‌گذارند، باز در نهایت روند تصمیم‌گیری‌های داخلی است که تعیین می‌کند به چه چیزهایی از ژوئیدادهای خارجی تأثیر بپذیریم یا نپذیریم؟

این بستگی به میزان قدرت کشورها دارد. هر چقدر قدرتمندتر باشیم، از این دست تأثیرات غیر مستقیم هم دورتر خواهیم بود. اما باز هم تاکید کنم که کشور در تأثیرات بی‌نیست که عاید کند بر جهان از این تأثیرات بین‌المللی باشد. ما به لحاظ مؤلفه‌های قدرت در دوران پس از انقلاب یک مرحله مهم را رد کرده‌ایم و آن اینکه به جایی رسیدیم که هیچ قدرت خارجی به خود حق مداخله مستقیم در مسائل ما را نمی‌دهد. الان در مرحله دوم هستیم که مرحله کاشش همان تأثیرپذیری غیر مستقیم از ژوئیدادهای خارجی است. این به معنای انزوا نیست، یعنی در تعبیر به هر نوعی از انزوا شود یا نه، بعدی در داخل را رسیدن به این وضعیت را در انزوا طلبی ببینند، اشتباه است و حض

